باسمه تعالی

"والّذین جهدوا فینا لَنهدینهم سبلَنا و إن الله لَمع المحسنین" سوره عنکبوت- آیه**69**

با سلام و عرض ادب به پیشگاه حضرت ولی عصر(عجل الله تعالی فرجه الشریف ) ودعا برای تعجیل در فرج این یگانه عدالت گستر عالم، و همچنین با سلام خدمت شما جهادگران عزیز؛ متنی که پیش رو دارید گفتاری کوتاه پیرامون موضوع " مدل نقش آفرینی فرهنگی جهادگران " می باشد که در دوره خط امام (ره) معاونت سازندگی سازمان بسیج دانشجویی به بیان **دکتر وحید جلیلی-فعال فرهنگ و رسانه-** برای جهادگران عرصه علم وعمل تبیین گردید و توسط این بنده حقیر یادداشت برداری شد و باکمی تخلیص و تصرف تنظیم گردید تا خدمت همه شما جهادگران و به طور خاص جهادگران دانشگاه مازندران ارائه گردد و إن شاءالله در درجه اول مورد عنایت حضرت حجۀ بن الحسن العسگری (ارواحنا له الفداء) و در مراحل بعدی مورد توجه شما جهادگران عزیز قرار گیرد. قابل ذکر است که این گفتار البته کاری هرچند جزئی در جهت ترویج فرهنگ جهادی که به حق کارآمدترین ابزار برای بازسازی سبک زندگی اسلامی و یکی از موثرترین راهکارها در جهت مقابله عملی با مبانی ریشه ای تهاجم فرهنگی می باشد که کمتر مورد توجه قرار گرفته است اما ما جهادگران باید به این نکته مغفول عنایت داشته باشیم که گروه های جهادی، متشکل است از عده ای دانشجو که این خود به دلیل تأثیرگذاری مستقیم در بخش مهمی از فضای جامعه یعنی دانشگاه، بستر مناسبی را در اختیار ما قرار می دهد؛ از این جهت که ترویج این فرهنگ (یعنی همان فرهنگ دغدغه مندی برای محرومیت زدایی با هدف خودسازی و احیای ارزش های انقلاب ) در جامعه و در بین دانشجویان که منجر به تزریق روح تلاش و امید می شود، بخش دوم و مکمل فعالیت های گروه های جهادی است که از پایان اردوی جهادی آغاز شده و تا اردوی جهادی بعدی ادامه پیدا می کند و متأسفانه کمتر مورد توجه بوده است و این کار را برای ما دانشجویان جهادی و به خصوص جهادگران دانشگاه های ملی کشور مانند دانشگاه مازندران که چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت سهم زیادی از گروه های جهادی استان را برعهده داریم، سنگین تر می سازد. امید است با استعانت از درگاه باری تعالی و دعای خیر ولی نعمت همه موجودات این أرض خاکی، حضرت ولی عصر(عجل الله تعالی فرجه الشریف) در این امر خطیر موفق باشیم و بتوانیم سهم خود را در جبهه جنگ نرم که همه جانبه از سوی ایادی استکبار و در رأس آنها آمریکای جنایتکار پشتیبانی می شود، به فرماندهی سید و مولایمان امام خامنه ای (مدظلّه العالی) ایفا نماییم. باشدکه مقبول افتد و نام ما را هم در این مبارزه، در خیل شهدا ثبت و درج نمایندکه با وجود پایان جنگ و تغییر فاز مبارزه از نظامی به فرهنگی و اقتصادی، مبارزه همچنان باقیست و به فرموده شهید بزرگوار حاج محمد ابراهیم همت " شهادت را در مبارزه می دهند نه در جنگ". به امید آن روز. یاعلی

" الّلهم عجّل لِولیک الفرج"

حسین غلامی پاجی/ دانشجوی جهادی دانشگاه مازندران- 06/07/1393

أعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم"”

"الم. ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین. الذین یومنون بالغیب و یقیمون الصلاة ومما رزقناهم ینفقون..."

یکی از معیار های اصلی بصیرت، گرفتار نشدن در شبهات است. شبهات یعنی مسائلی که در ظاهر به هم شبیه هستند اما در درون با هم تفاوت دارند و چیز دیگری هستند. امام خمینی(ره) می فرمود وقتی از اسلام حرف زده می شود، دو نوع اسلام مد نظر است: اسلام ناب و اسلام آمریکایی؛ وقتی از بسیج هم حرف می زنیم وجه تمایز آن از بقیه اسلام ها را مد نظر قرار می دهیم نه از غیر دینداران.

امثال محمد رضا شاه پهلوی و اشرف پهلوی هم کمک می کردند و خیریه داشتند؛ تفاوت محرومیت زدایی اسلام ناب و بسیجی وار با این جور کارهایی که پهلوی و حتی انجمن حجتیه در اوایل انقلاب و حتی مسیحیت انجام می دادند در چیست؟ مبانی اعتقادی این محرومیت زدایی چیست؟

شما قرآن را که باز می کنید در همان صفحه اول، مهمترین چیزهایی که بیان شده چیست؟ در سوره حمد، هدایت می خواهیم و در روز چند بار مکلف شده ایم از خدا در نماز همین را بخواهیم: اهدنا الصراط المستقیم

« الم. ذلک الکتاب لا ریب فیه هدی للمتقین » قرآن در همان ابتدا تکلیف ما را مشخص می کند و خطاب به من خواننده می گوید که شکی در این کتاب و گفته هایش نیست اما هدایت مخصوص خوانندگان کتاب نیست، هدایت برای متقی است و سپس ویژگی های متقین را بر می شمرد:

 «... ومما رزقناهم ینفقون...»؛ ما در این جلسه به طور خاص با این بخش از آیه کار داریم: «از هر آنچه به آن ها دادیم انفاق می کنند»

بنابراین ما هیچ منتی بر کسانی که به آنها خدمت می کنیم نداریم بلکه فقط داریم گلیم خودمان را از آب بیرون می کشیم؛ اگر ما داریم خدمت مادی به آن ها عرضه می کنیم، آ نها هدایتی به ما می دهند که اصلاً قابل قیاس با آن خدمت مادی نیست.

گشتی در آیات و روایات می زنیم و تفاوت این خدمات را می بینیم.

همه سوره انسان را قرائت کرده اید، آیه ای که می فرماید حضرت علی(علیه السلام) و حضرت فاطمه(سلام الله علیها) در ماه مبارک رمضان با دهان روزه، سه شبانه روز هرآنچه داشتند به مسکین و یتیم و اسیر انفاق کردند که حدیث هم نیست که کسی در صحت آن تردید کند، اما وقتی این انفاق را می کنند چه می گویند: « انا نخاف من ربنا یوما عبوسا قمطریرا » یعنی نه برای ثواب بلکه ما می ترسیم از خدا در روز قیامت که چطور حسن و حسین ما داشته باشند و دیگری نداشته باشد؛ حالا بعضی ها می گویند در دنیا هر وظیفه ای خواستی برای خود طرح کن، آن دنیا اهل بیت شفاعت می کنند، کافیست حب اهل بیت داشته باشی!!!

این یک نگاه به محرومیت زدایی و انفاق است و یک نگاه هم همان است که اشرف پهلوی داشت و او هم خیریه داشت.

در قرآن آیه ای داریم بدین مضمون که به بعضی ها گفته می شود بیایید برویم اردوی جهادی، محرومیت زدایی کنیم؛ می گویند خدا اراده کرده که اینها این جور باشند، ما باید به خواست و اراده خداوند احترام بگذاریم، نباید در کار خدا دخالت کنیم ، جالب است که نگاه دینی هم دارند!!! اما خدا در جای دیگری از قرآن می فرماید« نرید أن نمن علی الذین استضعفوا...» یعنی اصلاً این طور نیست، این یک وضعیت مصنوعی است وما اراده می کنیم و آن را بر هم می زنیم.

محرومیت زدایی باید در کنار تکاثر زدایی باشد. این تفاوت و شاید امتیاز محرومیت زدایی بسیجی هم باشد که نباید نسبت به خیلی رانت خواری ها و امتیازاتی که به آقازاده ها تعلق می گیرد بی تفاوت باشد، شاید تاثیر یک گروه امر به معروف اقتصادی خیلی به صرفه تر باشد، خیلی منابع را برای بیت المال حفظ کند. مگر شما چقدر بودجه می خواهید، یک میلیون، دو میلیون، بیست میلیون که حتی با مبلغ بسیار ناچیزتری از آنچه می شنویم از بیت المال سوء استفاده شده، جاهایی آباد شود.

حواسمان را جمع کنیم که محرومیت زدایی را در کنار تکاثرزدایی ببینیم.

در خطبه شقشقیه نهج البلاغه، امیرالمومنین(علیه السلام) بیان می کند چرا وارد حکومت و سیاست می شویم؛ چون خداوند از حوزویان، دانشجویان، اهل خرد، اهل فرهنگ، دانشمندان و... پیمان گرفته که از محرومیت و شرایط نامناسب افراد در جامعه بی قرار باشیم، می فرماید باید توازن را در جامعه برقرار کنیم. در سینما شاید90 درصد فیلم هایی که ساخته می شود مربوط به بالای شهر تهران است، یک بار من در جایی گفته بودم سینمای ایران از دو دروغ تشکیل شده: سینما و ایران؛ نه آن چنان جذابیت های تصویری و گرافیکی و هنری و از این دست ویژگی های سینما درش دیده می شود و نه مربوط به ایران است، اسمش را بگذارید "صنعت تصویری شمال تهران".

شما یک گروه دبیرستانی نیستید، دانشجو هستید، می توانید موثرباشید، در اول مهر از عمق مناطق روستایی به دانشگاه برمی گردید و باید این دغدغه و بی قراری را به فضای دانشگاه تسری دهید.

« لایکلف الله نفساً الاّ وسعها » اتفاقاً تکلیف را از دوش ما ساقط نمی کند بلکه وظیفه ما را سنگین تر می کند.

این بحث ها چه ربطی به فرهنگ دارد؛ دراین حرف هایی که مطرح می شود، جنگ نرم، تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی و از این دست اصطلاحاتی که چند سالی است می شنوید، آیا تقسیم کار کرده ایم؟ حوزه ها را جدا کردیم؟ یک عده بروند مقاله و کتاب بنویسند، جزوه در باره شیطان پرستی بنویسند، و ما برویم مدرسه بسازیم؟ اصلاً این طور نیست که در واقع شما دارید عملاً سبک زندگی اسلامی را احیاء می کنید، عملاً می خواهید این کار را انجام دهید؛ من خودم خیلی سخنرانی کردم، مقاله نوشتم، این ور و آن ور رفتیم و از این کارها انجام دادیم ولی ائمه فرمودند "کونوا دعاة الناس بغیر السنتکم" و این را در اردوهای جهادی باید ببینیم.

نمی شود که در اقتصاد مردم را به هم نزدیک کنیم و در فرهنگ از هم دور شویم؛ یک نفردر روز هزار جور دزدی و غیره داشته باشد بعد شب که شد به ما بگوید:« تو با موتور گازی خودت بیا مجلس امام حسین، من هم با لگسوز خودم میام، امام حسین که این حرف ها رو نمی شناسه »؛ امروز متاسفانه اتفاقی که افتاده این است که کار فرهنگی را از کار اقتصادی و زندگی اجتماعی جدا کردیم؛ از خدا که کسی کار فرهنگی بیشتری نکرده، از ارسال رسل گرفته تا انزال کتب همه برای منجر شدن به یک حکومت عدل بوده، برای اینکه یک خیزش اجتماعی برای عدالت اتفاق بیافتد.

«ومما رزقناهم ینفقون» خدا یک عمر، وقت، فرصت جوانی به شما عنایت کرده که انفاق کردید اما خود این خاطرات خوب و لذتی که از عمل به یک گزاره قرآنی به دست آوردید، رزقیست که باید انفاق کنید، این ها باید در اختیار دیگران قرار گیرد، شما باید برای هرکسی این امکان را فراهم کنید که بتواند این لذت را بچشد؛ در مراحل بالاتر نباید به خاطرات بسنده کنید بلکه الان ساخت فیلم و مستند به قول ما سینمایی ها به یک ژانر تبدیل شده که کم کم می بینیم مستند هم زیاد ساخته می شود و باید فیلم های بیشتری ساخته شود. نه برای اینکه بعداً بنشینیم و خاطرات را زنده کنیم بلکه به خود بگوییم چطور گروهی توانستند این کارها را بکنند و ما نمی توانیم...؟

شما در عین اینکه دارید محرومیت زدایی مادی می کنید باید احساس کنید با فقر عمیق تری در فرهنگ سروکار دارید، این را بیایید رفع کنید، با فقر مسئله روبه رو هستیم؛ دو سال پیش در جشنواره فیلم عمار، فیلم" مشتی اسماعیل" برنده جایزه فیلم برگزیده حوزه جنگ نرم شد، نه درباره انرژی هسته ای بود نه مسائل سیاسی، درباره زندگی پیرمرد نابینا و تنهایی در اطراف کیاسر بود که آدم از تلاش و امید این انسان به وجد می آمد و از زندگی لذت می برد، این فیلم زندگی و سبک زندگی امیدبخش و متعالی یک پیرمرد ساده شمالی را نشان می داد، همان چیزی که جنگ نرم دنبال نابودی آن است.

این مسائل باید به رسانه منتقل شود، باید به گوش دیگران برسد؛ «با یک بنده خدایی مناظره داشتم، می گفت: شما نمی خواهید مشکلات و نداشته های ملت دیده شود، رفع شود،...گفتم: بله، اتفاقاً باید بدانیم مسئله چیست؟ مسئله ترکیبی ازمعلومات ومجهولات است، یعنی با استفاده از معلومات و چیزهایی که داریم مجهولات را حل کنیم و نداشته هایمان را برطرف کنیم» مشتی اسماعیل را ببینیم و خلأ های زندگی خودمان را پر کنیم.

این فرهنگ را شما بایستی منتقل کنید و فرهنگ سازی کنید. این شرایط برای شما محیاتر است. قدر خودتان را بدانید.

والسلام